



معلم ریاضی «معادله کتابخوانی» کاشمر را حل کرد

یک معلم ریاضی که ۱۰ سال پیش، مسئول کتابخانه مدرسه‌های در کاشمر شده برای حل کمبود کتابخانه در مدارس، خیرین را پای کار آورده است تا به یاد درگذشتگان، کتابخانه و کتاب به مدارس اهدا کنند؛ اقدامی که امروز کمک زیادی به دانش‌آموزان در جهت رشد و سوادآموزی‌شان کرده است.

نقش پررنگ خیرین در کتابخانه‌دار شدن مدارس

مسیر را ما باید به آنها نشان دهیم؛ مسیری جدید که بتوانند شرایط زندگی‌شان را تغییر دهند، در غیر این صورت به عبور و مرور از همان راه قدیمی‌شان ادامه می‌دهند. شاید همین تفکر بود که حسین افشاری را بنا داشت جان تازه‌ای به چهار دیواری‌ای که در اختیار گرفته بود، بدهد. شاید ۱۰ سال پیش و روز اولی که مسئول کتابخانه مدرسه شده بود، تصورش را نمی‌کرد جز در دنیای کتاب‌های ریاضی، پیچ و تاب بخورد، اما یک تصمیم و یک تغییر، او را بر آن داشت معادله جدید را با روشی جدید حل کند. جادوی کتاب‌ها همان دم که وارد کتابخانه شده بود، او را احاطه کرد، بی آنکه خودش بداند، می‌دید که کتاب‌ها کهنه و قدیمی هستند و دانش‌آموزان میل به خواندن آنها ندارند، اما ایده‌های جالب به ذهن آقای معلم رسید و او را چنان تحت تأثیر قرار داد که توانست فرزندان کاشمر را کتابخوان کند. این همان رسالت کتاب است؛ رسالتی که لایه‌لای روزمرگی‌های زندگی و شاید هم افزایش رشد تکنولوژی گم شده، اما کافی است بر حسب اتفاق، قدم به یک کتابخانه حتی اگر کوچک هم باشد، بگذارد تا دنیای آن‌ها را چنان درگیر خود کند که نفهمیم، این واقعیتی است که حسین افشاری آن را به خوبی درک کرده بود و با همین درک، تحولی عظیم در کتابخوانی مدارس کاشمر ایجاد کرد.



خوبی برقرار می‌کنند و دلیل این تصور غلط، این است که کتاب‌های خوب در دسترس بچه‌ها نبوده است. متأسفانه نه تنها در مدارس بلکه در اغلب خانه‌ها نیز استفاده از کتاب خوب، کم شده است. به عقیده من وقتی کتاب مناسب در اختیار کودک و نوجوان قرار داده شود، هم‌چنین با داستان‌ها، فکر می‌کنند و رؤیا می‌سازند، هم‌چنین با کمک کتاب با مفاهیم جدید آشنایی پیدا می‌کنند. همه اینها موجب رشد دانش‌آموزان می‌شود که نباید از کنار آنها بی‌تفاوت رد شد.

معلمان گلیه‌های زیادی از نحوه اجرای رتبه‌بندی و نداشتن رفاهیات دارند. بدون شک شما نیز مشکلاتی از این دست دارید، پس چطور خلاقانه و بی‌شک و وظایفی که برای‌تان تعریف شده است، عمل می‌کنید؟

بله، گلیه‌هایی هست. معلمان و مشاغل فرهنگی، کمترین درآمد را دارند، اما هدف من انجام کارهای مؤثر است. معتقدم وقتی پذیرفتیم که معلم باشیم، پس باید آن تمام و کمال و بهترین شکل ممکن انجام دهیم، اما در کنارش دغدغه‌های اجتماعی هم داریم که در حوزه کتاب است. بسیاری از مسئولان آموزش و پرورش مطلع نیستند که قوانین مصوبات‌شان «کتاب» را از سیستم آموزش و پرورش حذف کرده است، در صورتی که در سال‌های اخیر بارها شنیده‌ام مقامات آموزش و پرورش اعلام کرده‌اند کتابخانه‌ها باید چنین و چنان باشند، باید کتاب در مدارس باشد، باید رنگ کتاب داشته باشیم، گویا آنها نمی‌دانند که تصمیمات گرفته‌شده در سال‌های قبل باعث شده است کتاب و کتابخوانی از مدارس حذف و به آن بی‌توجهی شود.

این تصمیمات یعنی همان که گفتید؟ یعنی به دلیل نبود بودجه، کتابخانه و مسئول آن را از مدارس حذف کرده‌اند؟

بله و به نظر من این دلیل کافی نیست که اگر پول پرداخت حقوق یک کتابدار را نذاریم، پس کتاب را از مدارس حذف کنیم یا مثلاً اگر پول نداریم کتاب برای مدارس تهیه کنیم، پس کتاب قید آن را بزنیم، اینها درست نیست.

انتظار شما از مسئولان آموزش و پرورش چیست؟

آنچه انتظار دارم این است کسانی که در مقام تصمیم‌گیری آموزش و پرورش کشور هستند؛ وزارت فرهنگ و ارشاد و شورای عالی آموزش و پرورش، نهایت تلاش خود را برای ایجاد جامعه‌ای متوازن انجام دهند و برای این کار همت و توجه ویژه نیاز است. باید برنامه‌های مدون داشته باشیم و کتاب‌های خوب را در برنامه روزانه بچه‌ها قرار دهیم. برای این کار در سال گذشته سه طرح را پیشنهاد دادیم؛ طرح‌هایی که هر کدام از آنها را در کاشمر اجرا کردیم و از آن بازخورد خیلی خوبی گرفتیم، مثل ایجاد رنگ کتاب، برپایی کتابخانه‌های مدارس و ایجاد کتابخانه مجازی که در مورد هر کدام از آنها در هفته کتاب سال گذشته با برخی از مسئولان به صورت مفصل صحبت کردیم، اما همچنان آنها در حد صحبت باقی مانده است، البته شاید هم کاری انجام شده که من از آن بی‌خبرم!

در هر صورت من به نوبه خود همه تلاش را خواهم کرد. اگر روزی مسئولان آموزش و پرورش بخواهند می‌توانم بخشی از تجربیاتم را که در این سال‌ها در خصوص رنگ کتاب داشته‌ام، به اشتراک بگذارم تا سایر مدارس نیز از آن استفاده کنند. بدون شک در این مسیر نیاز است معلمان آموزش‌هایی را ببینند تا آن را در کلاس درس‌های‌شان پیاده‌سازی کنند. همه اینها در شرایطی است که مسئولان حوزه آموزش و پرورش اهمیت کتاب و کتابخوانی در مدارس را درک کنند و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل شوند.

با این تفاسیر، مدارسی را که فضایی برای ایجاد کتابخانه ندارند، چگونه مجهز به کتاب می‌کنید؟

طبق تعریف آموزش و پرورش، کتابخانه کلاسی داریم. این هم قسمت دوم کارمان است. در مجموع ۱۰ سال از فعالیت ما که از سال ۱۳۹۲ تاکنون است، ۲۵ کتابخانه مستقل و ۱۰۸ کتابخانه کلاسی دایر کرده‌ایم که همه آنها با همت و کمک خیرین بوده است. در کنار این کار، تعدادی از مدارس را که شهریه‌بگیر هستند نیز مجاب کردیم کتابخانه‌های‌شان را با استفاده از شهریه‌ها، تجهیز کنند و اتفاقات خوبی هم در این زمینه رقم خورده است. حالا بیشتر مدارس در کاشمر از سویی این جریان پیش آمده دارای کتابخانه هستند. تقریباً ۲۰۰ مدرسه با اشکال مختلف مثل ساخت قفسه یا کمد مجهز به کتاب به این جریان ملحق شده‌اند و این فراگیری کار در عمده مدارس برام خوشایند و دلچسب است. در این راه همسرم که کتابدار است هم همراهام کرده و مرتب با دانش‌آموزان و معلمان در ارتباط بوده است، او این کارها را نه برای درآمد بلکه در راستای مسئولیت اجتماعی انجام داده و در این موفقیتی که به دست آمده مهمی دارد.

برخی از معلمان می‌گفتند تعدادی از این بچه‌ها تا پیش از این، کتابی غیر از کتاب درسی ندیده بودند. این خیلی تلخ است که دانش‌آموزی که شش تا ۱۲ سال تحصیل کرده است، کتاب غیردرسی ندیده باشد. مگر اینکه یک معلم کتابی دستش گرفته بود یا آن را به دانش‌آموز معرفی می‌کرد و غیر از این، اصلاً جایی نبود که بچه‌ها به آن مراجعه کنند. این خودش برای من ناراحت‌کننده بود و برای‌شان افسوس می‌خورد، اما در کنار این حال بد، خوشحال هم بودم که به کمک خیرین این امکان برای تعداد زیادی از بچه‌ها فراهم می‌شود تا با کتاب و کتابخوانی آشنا شوند، مخصوصاً در دوران ابتدایی که آنها از حالت بکتواخت کتاب درسی خارج می‌شوند و متنی غیر از متن درسی می‌بینند و می‌خوانند.

شاید خیلی‌ها بگویند مدارسی وجود دارد که مجهز به کتابخانه هستند، اما استقبالی از آن نشده و تأثیر چندانی در روند آموزشی کودکان و نوجوانان نداشته است. به نظر شما راه‌اندازی کتابخانه و در دسترس بودن کتاب در مدارس کاشمر چه کمکی به دانش‌آموزان کرده است؟

بدون شک این کتاب‌ها به روند آموزش خواندن و نوشتن بچه‌ها کمک زیادی می‌کند. متأسفانه تعداد زیادی از دانش‌آموزان و برخی از افرادی که از مناطق محروم می‌آیند، قدرت خواندن‌شان به شدت ضعیف بود، علاوه بر آن تغییر شیوه‌های آموزشی، بچه‌های این مناطق را در خواندن ضعیف کرده بود و مثلاً دانش‌آموز در کلاس هفتم نمی‌توانست متن کتاب را روان بخواند، من همه اینها را به آموزش و پرورش کاشمر انتقال می‌دادم و می‌گفتم این ضعف آموزش خواندن و نوشتن در حال فراگیری شدن است، به همین دلیل تمام تلاش‌مان را کردیم با ورود کتاب‌های جذاب و غیردرسی به مدارس، بچه‌ها را تشویق به خواندن کنیم تا آنها با کلمات جدید آشنا شوند، به علاوه اینکه با خواندن کتاب، مهارت‌های اجتماعی

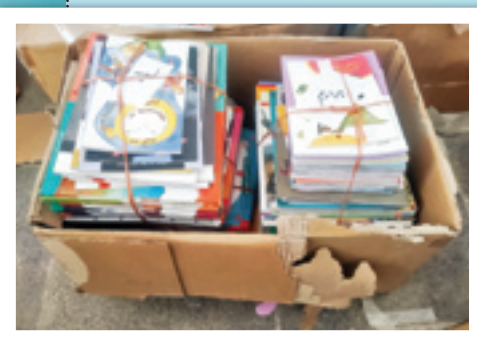
بیشتری را بیاموزند و مسیر بهتری را برای خودشان ترسیم کنند. شاید تصور جامعه، والدین و حتی برخی از معلمان این باشد که «کتاب» جایگاه خاصی در میان بچه‌ها ندارد اما تجربه به من می‌گوید که کتاب خوب در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرد، آنها با کتاب ارتباط بسیاری



سؤال ویژه

از آقای افشاری می‌خواهم خاطره‌ای از کتاب و کتابخوانی دانش‌آموزان را که در ذهنش نقش بسته است، تعریف کند. او می‌گوید: «معمولاً در مسابقات کتابخوانی مدارس و حتی مسابقات کشوری یک یا چند کتاب معرفی می‌شود تا بچه‌ها به صورت مکتوب به سوالات مرتبط با آن پاسخ دهند. این کار هر چند خوب است، اما آنطور که باید و شاید اهداف کتابخوانی را محقق نمی‌کند. زمانی که مسئول برگزاری مسابقات در مدرسه شدم، تصمیم گرفتم مسابقات را به صورت شفاهی و به‌صورت پرسش و پاسخ در کتاب‌ها را معرفی می‌کنم و مسابقه بر سر بحث کتاب‌ها برگزار می‌شود، در واقع بچه‌ها بعد از مطالعه، می‌آیند و آن بخشی از کتاب را که برای‌شان جذاب بوده است در صف مدرسه یا در کلاس درس می‌خوانند. داورانی نیز انتخاب می‌شوند تا به دانش‌آموز امتیاز دهند. تفاوت این مسابقه با مسابقات معمول که در مدارس و کشور برگزار می‌شود، این است که در این مسابقه یک نفر برنده نمی‌شود بلکه همه بچه‌ها برنده هستند، چرا که آنها با کمک کتاب، قدرت انتخاب و سخنوری پیدا می‌کنند. همچنین قدرت ارتباط با دوستان و اعتماد به نفس‌شان تقویت می‌شود. پادم است دانش‌آموزی داشتم که لگنت زبان داشت اما در این مسابقه با هر زحمتی که بود کتاب می‌خواند، او به مرور زمان ترسش از جمع ریخت. این تغییر و اینکه او توانست میان ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان کتابش را بخواند، جزو خاطرات جالب من بوده و است و هیچ وقت آن را از یاد نمی‌برم.

روی بدنه قفسه‌های کتابخانه، اسم رنگان خیرین نوشته و در تمام کتاب‌ها، مهری به نام آنها زده می‌شود تا یادشان زنده نگه داشته شود. آقای افشاری و همسرش نیز چهار کتابخانه را به نام پدر و مادر خود زده‌اند و این کار مشوق خوبی برای دعوت سایر افراد به ادامه این راه شده است



زیدی داوطلب این کار شدند و هزینه‌هایش را پرس‌وجو کردند، حتی برخی با ما ارتباط می‌گرفتند و مدرسه‌های بدون کتابخانه را که دانش‌آموزانش نیاز به کتاب داشتند، معرفی می‌کردند تا آنجا هم کتابخانه بسازیم. در مجموع باید بگویم که همه این اتفاقات پیش آمده به دست خیرین کتابخانه و از ما واسطه یا بانی این کار خیر هستیم، البته مدیریت آموزش و پرورش کاشمر هم خیلی در این راه کمک‌مان کرده است.

هر مدرسه‌ای که ساخته می‌شود، باید کتابخانه داشته باشد، چطور این مدارس کتابخانه نداشتند؟

بر اساس تعاریف استاندارد و مهندسی‌نوسازی، همه مدارس باید مجهز به کتابخانه، آزمایشگاه و نمازخانه باشند، اما بنا به هر دلیلی ممکن است این بخش‌ها تغییر کاربری دهند، مثلاً به دلیل کمبود کلاس درس از آنجا برای اضافه کردن یک کلاس دیگر استفاده شود یا بودجه برای تجهیز به کتابخانه و آزمایشگاه نباشد و مدیر مدرسه آنجا را به دفتر یا انبار تبدیل کند. متأسفانه در اغلب اوقات، بودجه‌ای برای خرید کتاب یا تجهیزات کتابخانه در مدارس اختصاص داده نمی‌شود، به همین دلیل کتابخانه‌ای برپا نمی‌شود.

چه شد که تصمیم گرفتید در کتابخانه مدارس تحول ایجاد کنید؟

سال ۱۳۷۴ وارد آموزش و پرورش شدم، در سال ۱۳۸۱ کارشناسی ارشد گرفتم و کارم را به عنوان معلم ریاضی شروع کردم. در سال ۱۳۹۱ و پس از اینکه دچار کسالت جسمی شدم، به کتابخانه هنرستان شهید مدرس در کاشمر فرستاده شدم تا در آنجا کارم را ادامه دهم. آن موقع تقریباً نیمی از دوران خدمتم تمام شده بود. کتابخانه‌های مدارس در شهرستان کاشمر، رونق چندانی نداشت و برایم عجیب بود، علت آن را از قسمت اداری جویا شدم و فهمیدم از دهه ۸۰، به دلیل اینکه آموزش و پرورش نیروی انسانی کمی داشته، پست کتابدار را از سیستم اداری حذف کرده است و صرفاً بعضی مدارس خاص و به صورت خیلی محدود، کتابدار داشتند. حتی سرانه کتاب که قبلاً به کتابخانه‌ها اختصاص می‌یافت و در حد مقدور از این راه، کمک‌هایی از وزارتخانه به کتابخانه‌ها می‌شد نیز به دلیل کمبود بودجه حذف شده بود. همین‌ها دلیل وجود کتاب‌های قدیمی در کتابخانه مدارس بود که هیچ کدامشان جذابیتی برای بچه‌ها نداشت. آن موقع فهمیدم کتابخانه‌ها باید زیر نظر معاونت پرورشی کار می‌کردند، ولی به دلیل مشغله فراوان این دسته از همکاران، کتابخانه‌ها در اولویت آنها قرار نداشت، اما اینطور که کاری پیش نمی‌رفت، به همین دلیل تصمیم گرفتم با کمک چند نفر از دوستان به برخی مدارس کمک کنم و برای رونق کتابخانه مدارس، کاری انجام دهم. سال ۱۳۹۲، یعنی یک سال بعد از شروع فعالیتیم در کتابخانه، کمک‌هایی را از سمت خیرین جمع‌آوری و کتاب‌های جدید و متنوعی را جایگزین کتاب‌های قدیمی و فرسوده کردم.

نحوه کمک گرفتن شما از خیرین چگونه بود؟

اولین بار تصمیم گرفتم روز ولادت حضرت علی (ع) یعنی روز پدر از آنها برای کمک‌های پدرشان را از دست داده بودند کمک بگیرم و بگویم به یاد پدرشان کتاب برای بچه‌ها تهیه کنند. به مرور زمان که کار برجسته‌تر شد، اسم این کار را خیرات کتاب گذاشتم که استقبال زیادی هم از آن شد و خیرین زیادی به ما کمک کردند، به همین دلیل این کار را گسترش دادیم، یعنی کتاب‌هایی را تهیه و بسته‌بندی کردیم و به ۱۲ مدرسه روستایی فرستادیم. سال ۱۳۹۵ بود که یکی از همکاران ما داوطلب شد به مناسبت سالگرد درگذشت مادرش، یکی از مدارس را به کتابخانه تجهیز کند. بعد از مشورت با مدیر آموزش و پرورش منطقه، پیشنهاد داده شد در مدرسه حضرت زینب(س) که امکانات کمی داشت، کتابخانه‌ای ساخته شود. این شخصی تجهیزات مرتبط با این کار مثل قفسه و کمد را تهیه کرد و بعد از آن کتاب‌هایی را که از انتشارات معتبر باشد، بچه‌ها دوست داشته باشند و قیمتش هم به صرفه باشد، انتخاب کردیم و این اولین کتابخانه خیرساز بود که صرفاً تا صد آن به مدرسه اهدا می‌شد و بعد از آن هم چندین کتابخانه دیگر به همت خیرین برپا شد.

خیرین از کجا با فعالیت شما آشنا می‌شدند و به ساخت کتابخانه در مدارس کمک می‌کردند؟

رویی بدنه قفسه‌های کتابخانه، اسم پدر، مادر یا هر شخص دیگری که خیر می‌خواهد، می‌نویسیم و در تمام کتاب‌ها، مهری به نام آنها می‌زنیم تا یادشان زنده نگه داشته شود. این کار برای احترام به افرادی که اهمیت به کتاب می‌دهند، انجام می‌شود. من و همسرم نیز چهار کتابخانه را به نام پدر و مادرم‌ان زده‌ایم که این کار مشوق خوبی برای دعوت سایر افراد به ادامه این راه شده است. به مرور زمان این کار در فضای مجازی دیده شد و خیرین زیادی جذب شدند، حتی گزارشی از فعالیت ما تهیه و در تلویزیون نمایش داده شد و این کار را به مخاطبان برنامه معرفی کرد. به مرور زمان افراد

